

## در کنار شورش لس آنجلس بایستید!

این اعلامیه در نشریه کارگر انقلابی، ارگان حزب کمونیست انقلابی آمریکا، شماره ۱۷ ماه مه ۱۹۹۲ منتشر شده است.

مرز درست و غلط بسیار روشن است!

خواهران و برادران!

شورش ۱۹۹۲ لس آنجلس اعلام موضع قدرتمندی بود به جهان، پیامی که در شهرهای سراسر آمریکا طنین افکند و مردم اقصی نقاط جهان آنرا خوشامد گفتند. عملکرد مردم ضربه بزرگی به نظام وارد آورد و ظرفیت مبارزه جوئی همه کسانی که علیه صاحبان قدرت میجنگند را تقویت نمود.

اکنون بر سر این که از درون این شورش چه چیزی بیرون خواهد آمد بحث است. آیا صاحبان قدرت راه حل بن بست خود را تحمیل خواهند کرد؟ یا اینکه حاصل، چیزی واقعی و قدرتمند برای توده های مردم خواهد بود؟

اوضاع بسیار عاجل است! امپراتوری در حال تلافی کردن است. آنها آدمکشان مسلح خود را که گلوله هائی واقعی دارند به صف کرده اند و دارای بلندگوهای تلویزیونی و سیاستمداران خود هستند که گلوله های گيجی آفرین شلیک میکنند.

وقتی دشمن زخمی میشود با استیصال دست به ضد حمله میزند تا ابتکار عمل را باز یابد. اما این به معنای آن نیست که مردم باید ذره ای عقب نشینی کنند و حکم مطلقاً صحیح و برجفی را که در جواب به دادگاه رادنی کینک دادند، پس بگیرند.

در جواب به ضد حمله های نظام، مردم لس آنجلس و سراسر کشور باید طرق تجمع دوباره را بیابند، از شورش حمایت کنند، به ضدیت با سرکوب بلند شوند، وحدت مردم را تقویت کنند و به مبارزه علیه صاحبان قدرت بپردازند.

مهمترین چیزی که باید از درون این شورش بدر آید تشکیل انقلابی است. بدون تشکیلات، توده ها نمیتوانند بر شدت مبارزه امروز بیفزایند یا اینکه وقتی زمان موعود میرسد برای رهائی واقعی برزمند و آنرا به کف آورند. باید قدرت حزب پیشاهنگ انقلابی، یعنی حزب کمونیست انقلابی آمریکا، در هر آنجائی که توده ها خواهان مبارزه علیه صاحبان قدرت - و پیروز شدن - هستند ساخته شود.

جلوی سرکوب را بگیرید

مردم جهان باید آگاه شوند که در لس آنجلس چه میگذرد و چگونه صاحبان قدرت دست به حملات سختی زده و لس آنجلس را به یک منطقه اشغالی تبدیل کرده اند.

■ بیش از ۱۵۰۰۰ تن در عرض یک هفته دستگیر شدند. قانون جدیدی وضع شده که میتواند دستگیرشدگان را به مدت یک هفته در زندان نگاه دارند؛ اکثریت به جرم بزهکاری محکوم شدند.

■ هزاران سرباز برای سرکوب مردم روانه شدند: ۱۰۰۰ مامور انتظامی، قریب به ۱۰۰۰۰ گارد جمهوری، بیش از ۳۳۰۰ سرباز ارتش و نیروی دریائی و ۵۰۰۰ پلیس از بیرون - علاوه بر ۸۲۰۰ خوکهای اداره پلیس لس آنجلس.

■ خانه گردی در محله های ساوت سنترال (South Central)، پیکو یونیون و دیگر محله های فقیر نشین ادامه دارد. وسایل خانه، در صورتیکه مردم قبض خرید نداشته باشند، غصب میشود.

■ بیش از ۱۸۰۰ تن مهاجر دستگیر شده و صدها تن آنان در شرف اخراج شدن هستند.

خواهران و برادران! ما نمیتوانیم اجازه دهیم که این وضع بی جواب

بماند! ما باید جلوی این سرکوب بیرحمانه را بگیریم. ما میگوئیم: سربازان باید بیرون بروند! جلوی شرارت نژادپرستانه پلیس باید گرفته شود! وقت نمیدهیم! ما هیچ جنایتی مرتکب نشدیم! شورش بر حق است!

بخشی از مسئله یا بخشی از راه حل

بحث مزخرفی راه انداخته اند که «یک خطا را نمیتوان با ارتکاب خطائی دیگر جبران کرد» صاحبان قدرت میخواهند به مردم بقبولانند که شورش توده ها عکس العملی غلط در مقابل حکم غلط دادگاه رادنی کینک بود و مسائل را اسفبارتر کرد. اما این منطق ستمگران است.

در این وقایع خط مرز موارد غلط و درست بسیار روشن است: مضروب ساختن رادنی کینک مورد خطا بود. حکم دادگاه سیمی ولی (Simi Valley) [تبرئه ضاربین رادنی کینک - م] غلط بود و شورش مردم درست بود.

مضروب ساختن رادنی کینک و حکم دادگاه بخشی از مسئله میباشد در حالیکه شورش مردم بخشی از راه حل است.

توده های طبقات تحتانی جامعه که عمیقاً درک میکنند «شورش بر حق است!» باید در مقابل تلاشهای گيجی آفرین قدرتمندان و رسانه های گروهی سرسختانه بلند شوند. آنها باید با صدای بلند حقایق را بیان کرده و دروغها و تهمتهایی که برای بی اعتبار کردن شورش توده ها پراکنده میشود را افشاء کنند. آنها میتوانند از طریق فعالتهای خود آن کسانی را که وسط هستند و تحت تاثیر استدلالات صاحبان قدرت نوسان میکنند، بیدار نمایند.

آنهائی که دروغهای حکام را میخرند، باید بدانند که اگر میخواهند علیه بی عدالتی مبارزه کنند نباید از قدرت و خشم توده ها به هراس بیفتند. آنها باید علیه اقدامات تلافی چوینانه حکام علیه مردم، مبارزه کنند. آنها باید بخواهند که: همه دستگیر شدگان که زندانیان سیاسی یک شورش برحق میباشند، آزاد شوند.

زمانی که دهقانان در چین علیه ستمگران خود سر به طغیان برداشتند، انقلابی کبیر مائو سه دون نکته مهمی را خاطر نشان کرد. او گفت که همه کس با سه راه مواجه است: ۱) در مقابل مردم بایستد و با آنها ضدیت بورزد ۲) از پشت سرشان روان شده، به اشاره سر و دست پردازد و انتقاد کند ۳) در راس مبارزه قرار گرفته و مردم را رهبری کند. او گفت: «هر کسی در تصمیم گیری آزاد است اما سیر حوادث همه را مجبور به انتخاب خواهد نمود.»

■ شورش لس آنجلس سببیت این نظام را به خیابانها آورد تا همگان به چشم ببینند؛ و اینکار را چنان موثر انجام داد که هیچ «تظاهرات مسالمت آمیزی» نمیتوانست چنین کند. فقط فکر اینکه مردم علیه حکم دادگاه رادنی کینک شورش نمیگردند، عرق بر پیشانی می نشاند.

■ افق دید مردم گسترش یافت. قبلاً خیلی ها میگفتند که: «مردم نمیتوانند متحد شوند!» «با صاحبان قدرت نمیتوان در افتاد!» «انقلاب ناممکن است». این شورش امیدها را نسبت به اینکه مردم میتوانند بپا خاسته و زندگی این نظام را خاتمه بخشند، برانگیخت.

■ این شورش، کلیه صف آرائی هائی را که در میان مردم به گرد مسائلی مانند نژادپرستی، فقر و سببیت پلیس شکل گرفته بود عوض کرد؛ صف بندیهای کنونی برای توده ها مساعدتر و برای سیستم نامساعدتر است.

■ این شورش بر تاخت و تاز ارتجاعی «نظم نوین جهانی» آمریکا که از زمان جنک خلیج شروع شده بود، ضربه سختی وارد آورد. این استدلال را که سرمایه داری «بازار آزاد»، «بهترین نظامی

است که بشریت میتواند به آن دست یابد» را دود کرد و به هوا فرستاد. نظام آمریکا در دیدگان آن دسته از مردم جهان که پیام لس آنجلس را شنیدند بی اعتبار شد.

■ حکم دادگاه رادنی کینک و شورش لس آنجلس، ستمدیدی مستمر و سازمان یافته خلق سیاه را تحت این نظام، نشان داد. و هنگامی که توده ها در منطقه ساوت سنترال (South Central) شهر لس آنجلس سر به طغیان برداشتند، به مردم سراسر کشور که خود بطرق گوناگون در حال بیان خشم و نفرتشان بودند، الهام بخشیده و قوت قلب دادند.

■ بین خلقهای ملیتهای مختلف وحدت واقعی برقرار شد. در خیابانهای ساوت سنترال، خلقهای تمام ملیتها در حال فعالیت بودند. همه عالم به چشم دیدند که چگونه جلوی مقرر فرماندهی پلیس در مرکز شهر، جوانان - سیاه، آسیائی، لاتین، سفید، زن و مرد - دشمن را به مصاف طلبیده اند.

اینها دستاورد های عظیمی هستند که هیچکس نباید تضعیف کند. گلوله های گيجی آفرین - این فیلم را قبلا هم دیده ایم

بعضی ها میگویند اکنون که توده ها شورش کرده اند نظام مجبور است نیازهای توده ها را برطرف کند. آنها میگویند که الان مردم باید در رای دادن فعال شوند و حکومت را مجبور کنند که به مناطق اقلیت نشین بودجه بیشتری اختصاص دهد. آنها میگویند بیش از هر چیزی لازم است که شمار سیاستمداران سیاه و کمیانیهای متعلق به سیاهان، زیاد شود. اما این فیلم را قبلا هم دیده ایم و بهیچوجه راه حل نمیشود. توجه کنید که بیانیه ای که حزب کمونیست انقلابی آمریکا (آرسی پی) به مناسبت اول ماه مه ۱۹۹۲ منتشر کرده چه میگوید: «آیا نمی بینیم که تار و پود این نظام گندیده است و تلاش برای دستکاری و وصله پینه کردن آن کارساز نخواهد بود و تنها راه بهبود اوضاع تغییری بنیادین و کامل است؟

«هر جنبه نفرت انگیز زندگی و اوضاع کنونی، منجمله مسائل اسفباری که مردم ما خود را اسیر آن میکنند، تماما تبارزات همین نظام سرمایه داری «بازار آزاد» میباشد؛ نظامی که طرز تفکر آن عبارتست از: هر جور و با هر روشی میتوانی پول در بیاور، بهره جویی کن یا بگذار از تو بهره جویی کنند، دود کن یا بگذار دودت کنند. این نظامی است که توسط پولهای گنده کنترل میشود و به همه چیز و همه کس به چشم وسیله ای برای پول درست کردن نگاه میکند - اگر کسی برای صاحبان پولهای گنده بهیچ طریقی پول ساز نباشد، از نظر آنها آدم به درد نخوری است. و اما این پولسازان بزرگ، صحنه پردازان و گردانندگان و رانندگان سیاسی این نظام، کیانند؟ آنها بزرگترین جنایتکاران و آدمکشان تاریخ و جهان هستند. نظام آنان يك نظام امپریالیستی است که در سطح بین المللی استثمار و چپاول میکند. این طبقه حاکمه و «اجدادش» مسئول بدبختی و مرگ چندین و چند میلیون نفر از مردم اینجا و سراسر جهان در نتیجه بردگی، ستمگری، فقر، قحطی، بی خانمانی، مرض و جنگ بوده اند.

«اگر ما اجازه دهیم که جهان در اختیار این طبقه و «سوداگری» آن بماند، چه پیاآمدهای دهشتناک دیگری در انتظار مردم جهان خواهد بود؟ اگر ما از کل نظام آنان نگسیم، اگر فقط تلاش کنیم که درون همین نظام «چیزی به ما بدهند» یا «سهم خود را بگیریم» یا بدنبال کسانی روان شویم که مکررا از این حرف میزنند که «نسخه خودمان» از همان «سوداگری» را براه اندازیم، آنگاه چه کسی فایده خواهد برد؟ این امر به چه قشری از مردم جامعه، به کدام منافع طبقاتی خدمت

خواهد کرد؟ چون تا زمانی که ما نظامی از این دست داریم، اسم آن و قیافه گردانندگانش در ماهیت امر ذره ای تفاوت ایجاد نخواهد کرد: کماکان معدودی در بالا خواهند بود و بقیه در همان موقعیت نکبت بار بسر خواهند برد.

«آنها بما میگویند با رای دادن به این یا آن «سیاستمدار» که هرچند سال یکبار به نمایش میگذارند، میتوانیم اوضاع را عوض کنیم - «سیاستمداران» هم همواره وعده هائی میدهند که هیچوقت عملی نمیکند و اگر هم بخواهند نمیتوانند عملی کنند. این يك مزاح بیمارگونه است؛ آنها فکر میکنند تا کی میتوانند از اینطریق ما را گول بزنند و حقه سوار کنند؟ وقتی این «سیاستمداران» خود خادمین همین نظام - که خودش مرض است - میباشند، چگونه رای دادن به آنها میتواند بخشی از درمان باشد؟ وقتی نظام پا برجا باشد چه فرقی میکند خادمین آن چه کسانی باشند؟ «انتخاب» این یا آن گروه از افراد برای اداره حکومتی که این نظام را پا برجا و ما را تحت ستم نگاه میدارد، چگونه میتواند بهبودی در وضع ما ایجاد کند؟ خیر، آنچه مورد نیاز است سیاستی است که تغییری انقلابی بوجود خواهد آورد - سیاست بپا خاستن و سرنگون کردن کل این نظام و قدرت سیاسی که بر روی ما اعمال میکند.»

## عقد صلح با این هیولای خونخوار هرگز

صاحبان قدرت میگویند که مردم با سوزاندن محله های خودشان، از بین بردن مغازه ها و مشاغل فقط «به خودشان لطمه زده اند» و غیره. اما این حرف زدن عوامفریبانه ستمگران است. این نظام، محله های ما را به يك کابوس بدل کرده است. و اکنون نسخه آنان برای «التیام» بخشیدن به زخم عبارتست از يك جو «وعده های توخالی» و يك تَن نیروهای مسلح سرکوبگر و انداختن یوغ زندان بگردن مردم.

صاحبان قدرت میگویند «روند التیام» آغاز شده است. اما مردم میدانند تا زمانیکه ما را به ضرب زور وادار کرده اند که تحت این نظام بیرحم استثمار و ستم زندگی کنیم هرگز التیامی در کار نخواهد بود. ظرفیت خیزشهای نوین موجود است. تلافی جویی بیرحمانه نظام درهای جدیدی را بروی اعتراض و شورش باز خواهد کرد.

در تحلیل نهائی هیچ چیز غیر از يك انقلاب واقعی مشکلات توده های ستمدیده را حل نخواهد کرد: يك خیزش مسلحانه توده ای که نظم کهن را در هم شکند و نظامی نوین بیافریند - جامعه ای که در آن مبارزه مشترک مردم علیه هرگونه ستمی جایگزین جامعه ای میشود که بر پایه سود و حرص سازمان یافته است. جهت آماده شدن برای چنین انقلابی توده ها باید بر روی دستاوردهای شورش لس آنجلس تکیه کرده و خیلی جلوتر بروند. مناطقی که محل زندگی ستمدیدگان است باید به مناطق پایگاهی برای انقلاب بدل شود.

حال که مردم با چنین قدرتی عمل کرده اند، بهیچوجه نباید به روشهای قبلی باز گردند. ما نیاز داریم که امروز علیه صاحبان قدرت دست به مبارزه زنیم، و با استفاده از علم انقلابی مان باید این مبارزه را چنان پیش ببریم که ما را برای زمان موعود - یعنی وقتی که خواهیم توانست کل این نظام را سرنگون کنیم - آماده کند. انقلاب امید محرومان است!

ترجمه و تکثیر از: هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)